

ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمد حسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)



امام رضا(ع): برترین دارایی آن است که آبرو با آن حفظ شود.

گزیده حکمت نامه رضوی، صفحه: ۵۲۸

نگاره

روز جهانی اهدای خون



فضای مجازی

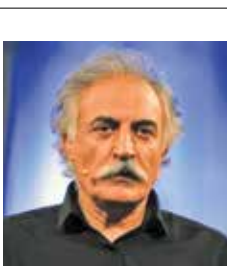
دلنوشته سید جواد نقوی درباره محمد قنبری و تمجید علیرضا شجاع‌نوری و مونا زندی از«نگهبان شب» رضا میرکریمی در کنار چخوف خوانی داریوش مؤدبیان بخش‌هایی برگزیده از تازه‌ترین فعالیت اهالی فرهنگ و هنر در فضای مجازی است که در ادامه می‌خوانید.



در ادامه این یادداشت آمده است: «این پلیس یک فرد عادی بوده است با پنج فرزند در دل خاک ایران که زندگی می‌کرده است و هیچ مسأله‌ای بجز خانواده خود و زندگی آرامی که مدنظرش بوده نداشته است، مثل همه کار‌های سازمانی صبح تا ظهر کار می‌کرده است و احتمالاً باقی وقت خود را در کنار فرزندان پوده است، مدیر یا مسئول هم نبوده

است و طبق وظیفه طبیعی خودش که در هنگام مراسم خاصی از شورای تأمین استان‌ها دستور می‌دهند برای برقراری نظم و امنیت به محل‌های مشخص حرکت کند که امری طبیعی است و در بسیاری از کشورهای دنیا هم مرسوم است انجام داده است.»

نقوی در بخش دیگری یادداشت ادامه داده است: «اصلاً کسی چه می‌داند شاید لحظه‌ای که خبر رسیده باید به محل حادثه بروید یا اضافه کار قبول کنید و از این دست فرمان‌ها او از نظر درونی ن راحت هم شده است که به جای در کنار خانواده بودنش باید برود و کاری را انجام دهد که باعث می‌شود از خانواده دور شود ولی او یک فرد عادی بوده و طبق وظیفه به محل پیست خود رفته است برای امر معاش و زندگی کردن.» او در بخش پایانی نوشته است: «او را به جرم آنکه یک فرد عادی است کشتند اما چون شعارشان زندگی بود می‌خواهند با برچسب ضحاک این عمل خشن و حماقت بار را ماله‌کشی کنند. این جماعت با شعار زندگی دست به ترور و حذف فیزیکی می‌زنند و در کنسرت‌هایشان می‌گویند ما باید با احترام صحبت کنیم ولی در حقیقت معمولی‌ترین انسان‌ها را سلاخی می‌کنند و خون‌شویی می‌کنند تازه در شرایطی که هیچ قدرتی در دست ندارند. وای به حال آن روزی که این جماعت فقط ذره‌ای قدرت داشته باشند!»



دلنشینی در این و انفسای گزاهای خنده آور. بازهم بتوانم «نگهبان شب» را خواهم دید بیش از یک بار!»
مونا زندگی کارگردان فیلم «بنفشه آفریقایی» هم از سینمای قصه‌گوی میرکریمی با این عبارات تمجید کرده است: «استش فکرمی کردم دیگه باید برای سینما فاتحه‌ای خواند تمام! اما دیشب با دیدن فیلم «نگهبان‌شب» نفسی تازه کردم بعد از مدت‌ها باورم نشد هنوز می‌شه فیلمی رو روی پرده دید و بی‌حرکت فقط لذت برد. اگر واقعاً دلتون برای سینمای قصه‌گوییون ادا و اطوار تنگ شده به دیدن فیلم خیلی خوب «نگهبان شب» برید. من که باز خواهم‌رفت تا عطش دلتنگی‌ما برای پرده و صحنه‌پردازی و سینما کم بنشه.»



کوروش سلیمانی با بازنشر استوری‌های مربوط به نشست‌های چخوف خوانی داریوش مؤدبیان، دنبال‌کنندگان صفحه اینستاگرامش را به حضور در این برنامه‌ها که دو هفته یک بار برگزار می‌شود دعوت کرده است. این برنامه که قرار است پنجشنبه اول تیرماه، ساعت ۱۷ تا ۱۹ در خانه فرهنگ گویا برگزار شود بر مبنای کتاب‌های «دوستان، ما بد زندگی می‌کنیم» و

«تک‌پرده‌ای‌های چخوف» است.

- آزاده سهرابی(اجتماعی) « بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) « محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) « سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) « ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول



شه‌آبادی نویسنده

اگر بچه‌ها از کتاب خواندن لذت ببرند کتابخوان می‌شوند

اگر بچه‌ها از کتاب خواندن لذت ببرند کتابخوان می‌شوند، این وسوسه که بچه‌ها را به دانشمندان کوچک تبدیل کنیم، کتاب بگذاریم و اجازه دهیم از کتاب خواندن لذت ببرند. همانطور که بچه‌ها خیلی از رفتارهای بزرگ‌ترها را یاد می‌گیرند از نوع نشستن و برخاستن تا نوع غذا خوردن، کتاب خواندن را هم از بزرگ‌ترها یاد می‌گیرند؛ بچه‌ای که در یک محیط کتابخوان و در خانه‌ای که پر از کتاب است، بزرگ شود کتاب و کتابخوانی را جزو بدیهیات اولیه زندگی تلقی می‌کند و از همان نخستین ماه‌های عمرش، کتاب را به عنوان یک واقعیت در زندگی می‌پذیرد. بنابراین اولین قدم برای کتابخوان کردن بچه‌ها، این است که خود پدر و مادر کتابخوان باشند و در خانه کتاب داشته باشند و بچه‌ها را از همان روزهای اول به شکل کاملاً غیرمستقیم و در قالب رفتاری طبیعی با کتابخوانی آشنا کنند.

بخش از گفته‌های این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان با ایسنا

یادداشت

حجاب به مثابه امر اجتماعی

یکی از جنبه‌های مهم استدلال مخالفان حجاب فقدان شواهد تاریخی از برخورد معصوم(ع) در زمان حکومت صدر اسلام با پدیده بدحجابی یا بی‌حجابی است. برخی از مخالفان حجاب که به نظر بنده اطلاعات تاریخی درستی هم در اختیار ندارند و دانش تاریخی خود را به جای رجوع به منابع معتبر، صرفاً از گوگل (آن هم با سرچ این عبارت: آیا پیامبر با بدحجابان برخورد می‌کرد؟!) به دست می‌آورند! این‌گونه استدلال می‌کنند که چون شواهد تاریخی دال بر برخورد معصومین(ع) با مقوله بدحجابی وجود ندارد، لذا الزام حجاب در حال حاضر نیز منتفی است. اگرچه این استدلال مخالفان از اساس باطل است و برای استخراج یک حکم نباید معطل ادلّه و شواهد تاریخی بنائیم و با استفاده از منابع معتبر دیگر می‌توان حکم وجوب و ضرورت حجاب را از دین استخراج کرد اما رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود این تلقی ناقص از تاریخ حکومت صدراسلام را به چالش کشیدند. ایشان مقابله با حرام اجتماعی را همچون حکومت پیامبر(ص) و علی(ع) از وظایف حکومت اسلامی حال حاضر دانستند. این بدان معناست که در حکومت صدراسلام معصومین(ع) با حرام اجتماعی مقابله می‌کردند.

«حالا یک نفر یک غلطی برای خودش می‌کند، [به] کنار، آن بین خودش و خدا است؛ اما آنچه در مقابل چشم مردم است، در محیط جامعه است، حکومت اسلامی- مثل حکومت امیرالمؤمنین، مثل حکومت پیغمبر- وظیفه دارد مقابل آن بایستد… شارع مقدّس بر حکومت اسلامی تکلیف کرده است که مانع از رواج حرام الهی در جامعه بشود؛ حکومت اسلامی موظف است در مقابل حرام بایستد، در مقابل گناه بایستد.»(۱۷ اسفند ۹۶)

واضح است که بی‌حجابی و تن‌نمایی زنان در مقابل نامحرم یک فعل حرام است. پس چگونه ممکن است حکومتی که رسالت آن زدودن حرام از جامعه است، در مقابل بدحجابی موضع نداشته باشد؟

حجاب به مثابه امر اجتماعی

دومین نکته مهمی که مخالفان حجاب به اشتباه از آن غفلت دارند، تلقی اجتماعی از مقوله حجاب است. حجاب یک امر اجتماعی است و نه یک امر فردی. این سخن بدان معناست که اگر زنی در میهمانی‌های

نکته



مهدی شاه‌محمدی کارگردان‌مستند «خونه‌مامان شکوه»

دغدغه اجتماعی یک کارگردان در اکران هم ادامه می‌یابد

هرکسی اگر به وجدانش رجوع کند به راحتی می‌تواند بفهمد که برای حل یک مشکل اجتماعی و دغدغه‌مندانه فیلم می‌سازد یا برای خنود در جشنواره‌های خارجی. مرز سختی است اما به راحتی می‌توان فیلمی ساخت که سیاه‌نمایی باشد. کما این‌که اگر در فیلم مستند اخیرم، یعنی «خونه مامان شکوه» ۱۰-۱۲ سکانس وحشتناکی را که از آن دختران در کمب داشتم قرار می‌دادم، این فیلم از حالت خبررسانی درباره فاجعه هولناک اعتیاد دختران کم سن و سال به اعتیاد، برمی‌گشت و تبدیل به یک فیلم سیاه‌نما می‌شد. شاید هم چنین فیلمی را در جشنواره‌های خارجی حلوا حلوا می‌کردند، اما چه مشکلی را در داخل حل می‌کرد؟

فراموش نکنید در ایران تنها ۵ درصد از بچه‌هایی که درگیر اعتیاد می‌شوند، موفق به ترک دائم مواد مخدر می‌شوند و ۹۵ درصد مابقی دوباره به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند. در کشورهای دیگر هم همین است. شاید در کشورهای پیشرفته این عدد به ۷-۸ درصد برسد و در کشورهای ضعیف‌تر به ۳ درصد برسد. بنابراین تأکید می‌کنم که مرزی نمی‌توان قائل شد، مرز آن وجدان فیلمساز و آن چیزی است که در لحظه تولید فیلم از دل و ذهن فیلمساز می‌گذرد. خیلی‌ها اصرار می‌کردند که خونه مامان شکوه در پلتفرم‌ها نمایش داده شود، اما من اجازه ن‌دادم. با اینکه از سوزدها رضایت‌نامه هم داشتم و می‌توانستیم فیلم را به اکران هنر و تجربه ببریم، اما گفتم جای این فیلم در دبیرستان‌های دخترانه است، نه در جامعه. کاراکترهای ما می‌خواهند زندگی کنند و با نمایش این فیلم تنها آینده او را نابود می‌کنید. مهدی بخشی‌مقدم نیز جلوی این ماجرا ایستادگی کرد و از شهرت و اعتباری که می‌توانست برایش به همراه داشته باشد، گذشت.

من فیلم‌های سینمایی داستانی را که به سوزدهای اجتماعی می‌پردازند خیلی دوست ندارم، چرا که معتقدم مستندهایی با همین سوزدها بسیار تأثیرگذارتر عمل می‌کنند. بارها دیده‌ام که ابتدای یک فیلم سینمایی می‌نویسند این فیلم براساس سوزدهای واقعی ساخته شده است؛ سؤال من از کارگردان آن این است که چرا سراغ ساخت مستندی از همین سوزده واقعی نرفتید و میلباردی هزینه کردید؟

البته اگر پاسخ بدهند که فیلم سینمایی اکران عمومی می‌شود و فیلم مستند خیر، بهشان احترام می‌گذارم اما معتقدم سینمای داستانی جایی برای پرداخت به سوزدهای اجتماعی نیست. دقت کنید مختصات سینمای داستانی گره خورده با تخیل است. آیا می‌توان در سوزدهای حساس اجتماعی دست برد و تخیل کرد؟

البته به یک شرط می‌توان در سینمای داستانی سراغ سوزدهای اجتماعی رفت و آن هم زمانی است که مواد خام درست و کاملی برای ساخت مستند وجود نداشته باشد. مثلاً از سوزدهای مثل سعید حنایی باید فیلم داستانی ساخته می‌شد و اصلاً نمی‌شد مستند ساخت، چرا که هم خود او دیگر در دسترس نیست و هم خانواده‌اش تمایلی به صحبت ندارند. بنابراین اگر کسی بخواهد از این سوزده مستند بسازد، باید یک روایت دست چندم ارائه بدهد که عملاً چنین مستندی را از تأثیرگذاری خارج می‌کند.

من فکرمی‌کنم باید برای سینما یک رسالت دوگانه درنظر گرفت؛ یک بخش اثرگذاری اجتماعی و بخش دیگر سرگرمی است. بار مسئولیت اجتماعی به دوش سینمای مستند است و بار سرگرمی برعهده سینمای داستانی.

- تلفن:** ۰۰۹۱۲۲۸۸۷۶۱۲۲۰ شماره: ۰۰۹۱۲۵۴۸۸۷۶۱۲۵۴ارتباط مردمی: ۰۰۹۵۶۹۰۷۵۸۸۷۶
- پيامک:** ۰۰۴۵۱۳۱۳۳۰۰۰۰۰۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۰۰۵۳۸۸۰۵۸۷۵۰۵۸۷۴۸۸۰• **امور مشترکین:** ۰۰۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



و حالا که نسوجبور نیستی کامل باشی، می‌توانی خوب باشی.

شرق عدن، جان‌اشتاين بک

یادداشت

چیزی شبیه به مجسمه‌های میکِل آنژ

این توصیف اوربانا فالاجی، خبرنگار ایتالیایی، بعداز مصاحبه تاریخی‌اش با امام خمینی در سال ۵۸ تنها به مکتوب کردن سؤال‌ها و جواب‌ها اکتفا نمی‌کند، از حال و هوای بیست امام، نوع برخورد اطرافیان و حسنی که در مواجهه با اتمسفر رهبر انقلاب ایران داشته نیزمی‌گوید. بعضی جملات فالاجی شبیه اعتراف است: «از همان لحظه اول فهمیدم فضا آن‌طور نیست که فکرمی‌کردم. من شاید تحت تأثیر فضای ساده خانه آیت‌الله که در یک کوجه خاکی واقع شده بود، قرار داشتم. او با تمام مصاحبه شوندهگان قبل فرق داشت.»

خواندن این توصیفات، ایده‌ای را که از قبل در ذهنم همیشه در حال پختنش بودم، به جوشش انداخت و آن ایده از این سؤال شروع می‌شود، که آیا‌ما در سیاست و حکمرانی هم فرم داریم و اگر داریم فرم انقلاب اسلامی چیست؟

می‌خواهم از حسنی که یک رهبر در کاراکتر خود



به دیگران القا می‌کند حرف بزنم. حسنی که در معنای زیبایی‌شناسانه خود آتقدر کارکرد دارد که حتی وقتی هیچ اطلاعی از محتوای انقلاب، تاریخ کشور و پیشینه فرمان ملت هم نداریم، می‌توانیم آن را دریافت کنیم. از نوع منش، نگاه، پوشش و تمام المان‌هایی است که یک شخصیت سیاسی را به یک شخصیت دراماتیک تبدیل می‌کند.

فلاچی این را به‌خوبی فهمیده و در گزارشش آورده. او قبل از اینکه روزنامه نگار باشد، یک نویسنده است و می‌داند تشبیه یک شخصیت سیاسی به مجسمه میکِل آنژ تا چه اندازه می‌تواند مخاطب را به مصاحبه‌شونده نزدیک سازد و توصیفی فراسیاسی به او بدهد. تصویر امام در ذهن یک زن خبرنگار خارجی آتقدر بدیع و تازه است که حتی خود او نیزاز این دریافت فرمیک به وجد می‌آید. «امام» خمینی خوش‌قیافه‌ترین پیرمردی بود که در عمرم دیده‌ام. زمین تا آسمان با دیگر رهبران خاورمیانه مثل قذافی و عرفات که مثل عروسک‌های خیمه شب بازی بودند فرق داشت. خمینی چیزی مثل پاپ یا یک سلطان مقتدر بود، یک رهبر واقعی.

مردم ایران بیش از اندازه او را دوست داشتند. در حد یک پیامبر، یا از آن بالاتر، در اندازه یک خدا. «حسنی که او از سکنات و زیست امام خمینی دریافت کرده، بسیار صادقانه است. به همین علت فرم می‌سازد.

فرم هیچگاه دروغ نمی‌گوید و اگر نگویم خود محتواست، لاقال نماینده تمام محتواست. حسنی که از دیدار با رهبر یک انقلاب داریم با محتوای انقلاب برابری می‌کند. انگیزه‌ها، حادثه‌ها، پیروزی‌ها و زنج‌های انقلاب را می‌شود در نگاه و محتوای امام خمینی دید. در جملات کوتاه او کوبنده‌اش، در نوع نشستنش، در مستقیم به صورت‌های مقابل خیره نشدنش و حتی در دست‌هایش که متواضعانه سلام می‌کنند. همه اینها می‌گویند او یک رهبر معمولی نیست. اما خاص، آرام اما پرقدرت، زمینی اما الهی، مثل مجسمه‌های میکِل آنژ.»

عکس‌نوشت



چهارمین رویداد منطقه‌ای چوب کرمانشاه هرزمان با روز جهانی صنایع‌دستی از ۲۰الی ۲۵ خردادماه در مجموعه تاریخی بیستون کرمانشاه با حضور ۳۲ هنرمند از ۱۲ استان کشور در حال برگزاری است و هنرمندان آثار تولیدی خود را در زمینه منبت و پیکرتراشی به نمایش عموم می‌گذارند. | مهر